همشهری

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی | چهارشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۱ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۷۱۰ | تولید؛ دانش‌بنیان، اشتغال آفرین

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی: ■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ چاپ: همشهری ■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰
■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴ ■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶ ■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷
■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع):
کسی که در برخورد با مردم از در الفت و محبت وارد شود، مردم دوستدار وی خواهند شد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۱۸ ■ غروب آفتاب: ۱۷:۳۸
■ اذان مغرب: ۱۷:۵۷ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۳۶
■ اذان صبح فردا: ۵:۳۳ ■ طلوع آفتاب فردا: ۶:۵۸

صفحه آخر

ز کار ما و دل غنچه صد گره بگشود
نسیم گل چو دل اندر پی هوای تو بست
حافظ

گرینویچ

مرگ و زنده شدن دوباره

ماجرای مرگ و زنده شدن دوباره یک پیرزن در نیویورک، حسابی در آمریکا جنجالی شده و پای پلیس و دادستانی را به ماجرا باز کرده است. ماجرا از این قرار است که چند روز پیش یک خانه سالمندان به خویشاوندان یک خانم ۸۲ساله که در این مرکز نگهداری می‌شد اطلاع داد که این پیرزن درگذشته است. مرگ افراد در خانه‌های سالمندان اتفاق تقریبا روزمره‌ای است و این مورد هم چندان کسی را غافلگیر نکرد، اما مسئله این بود که این زن، چند ساعت بعد از اینکه اعلام شد فوت کرده، در سالن تدفین، دوباره نفس کشیدن را از سر گرفت و همه را غافلگیر کرد. این مورد چنان عجیب و غیرقابل‌باور بود که خیلی زود پای پلیس به ماجرا باز شد و دادستانی دستور داد که ماجرا بررسی شود. چندی پیش، در مورد مشابهی در یک ایالت دیگر، یک زن در آستانه دفن زنده شد و خانه سالمندانی که مرگ او را اعلام کرده بود، ۱۰هزار دلار جریمه شد.

غذای رایگان برای زلزله‌زدگان

زلزله مهیب در ترکیه و سوریه که تا به حال جان چند هزار نفر را گرفته و البته بیش از همه دنیا، مردم در این دو کشور را تکان داده است. آمار قربانیان، ساعت به ساعت به‌صورت وحشتناکی بالا می‌رود. در این میان، سلبریتی‌ها و اشخاص معروف، تا آنجا که می‌توانند از نفوذ و شهرت خود استفاده می‌کنند تا به‌وسیله آن، حتی شده قدم کوچکی برای بهبود زندگی مردم مصیبت‌دیده بردارند. بوراک، آشپز سرشناس و بین‌المللی ترکیه هم در ویدئویی تأثیرگذار، از ارتش این کشور خواسته تا آماده‌باش بدهد و به داد مردم برسد. این آشپز معروف، در یک ویدئو، درحالی که اشک از چشم‌هایش جاری است و به سختی صحبت می‌کند، خطاب به ارتش می‌گوید: «همگی باید برای کمک به مردم بشتابیم. مردم در این سرما دوام نمی‌آورند.» او همچنین گفته است که رستوران‌هایش در ترکیه، غذای رایگان به مردم ترکیه می‌دهند.

پاداش کار نیکو، ۱۳سال بعد

از میان تمامی انسان‌ها، کودکان قطعا افرادی هستند که بدون هیچ چشمداشت و انتظاری به دیگران کمک می‌کنند و کار خیر انجام می‌دهند، اما این دلیل نمی‌شود که چرخ روزگار، به نفع آنها نچرخد و کار خیرشان بی‌جواب بماند. یک دختر جوان در کانادا، بعد از ۱۳سال به چیزی رسیده که خودش گفته پاداش کار خیرش در ۵سالگی بوده است. این خانم، بعد از اینکه برای نخستین‌بار بلیت بخت‌آزمایی خرید، ۴۸میلیون دلار برنده شد و به جوان‌ترین کانادایی تبدیل شد که برنده چنین جایزه هنگفتی می‌شود. جولیت لامور به درخواست پدربزرگش که به او گفته بود حالا دیگر دختر بزرگی شده و باید شانسش را امتحان کند، این بلیت را خریده بود. داستان اما به این خاطر جالب‌تر می‌شود که این دختر، ۱۳سال پیش، وقتی که قلکش را به یک مراسم جمع‌آوری کمک‌های خیریه برده بود، حسابی معروف شد و حالا همه در کانادا می‌گویند که این جایزه هنگفت، پاداش آن کار خیر خالصانه است. او در ۵سالگی، وقتی شنیده بود که صلیب‌سرخ برای افراد بی‌خانمان کمک جمع می‌کند، به اصرار خودش تمام ۶۱دلار و ۳۸سنت موجود در قلکش را به صلیب‌سرخ هدیه کرد. او گفته با پول جایزه می‌خواهد به دانشگاه برود و رویایش که تحصیل پزشکی است را محقق کند.

حمیدرضا محمدی

قابِ انقلاب
گل به جای گلوله

قاب‌های انقلاب بسیارند و بی‌شمار. عکس‌هایی که خاطره ساخته‌اند و در خاطر همه جاخوش کرده‌اند و حالا می‌شود با همه‌شان خاطره‌بازی کرد و رفت به آن روزها. تصاویر ثبت‌شده عکاسان ایرانی و خارجی که برخی‌شان آنقدر در همه این ۴دهه، دست‌به‌دست چرخیده که بعضاً نام خالق‌شان گم و فراموش شده است. و ما، در چهل‌وچهارمین فجر آن پیروزی؛ چند تایی از شناسنامه‌دارهایشان را برگزیده‌ایم؛ آنهایی که دست‌کم می‌دانیم آفریننده‌شان چه کسانی هستند. تا به‌قدر وسع بکوشیم و سری بگردانیم در لابه‌لای خاطرات مصور انقلاب قرن.

درست است که فرماندهان ارتش گماشته شاه بودند و مواجب‌بگیرش و برای همین هم حاضر بودند به هر مستمسکی چنگ زنند تا آن تاج و تخت را حفظ کنند اما بدنه نیروی نظامی ایران یعنی سربازان و حتی بعضاً فرماندهان میانی از مردم بودند و با مردم. شاید در آن آغاز، چاره‌ای جز اطاعت از مافوق نداشتند اما سرانجام پا را از روی دل‌شان برداشتند و اسلحه‌ها را کنار گذاشتند و به هموطنان‌شان پیوستند و نشان دادند آنان نیز از بیدادگری خسته شده‌اند و حاضر نیستند برای آن جرثومه ظلم، به‌روی مردم‌شان آتش ببندند و ماشه بچکانند.

و این قاب میشل لیپشیتز (Michel Lipchitz)، عکاس فرانسوی خبرگزاری آسوشیتدپرس حکایت از همین دارد و سربازانی را در جریان تظاهراتی در اصفهان، در دی ۱۳۵۷نشان می‌دهد که بر لوله‌های تفنگ‌شان، گل میخک نشانده‌اند تا بگویند که دوران گلوله تمام‌شده و روزگار گل فرا رسیده است.

قهرمانان خوب

کوسه‌های پرنده جنوب

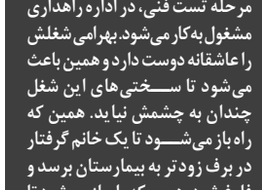

این پرنده اخمو و بی‌اعصاب، در جنوب حسابی شناخته شده است. کوسه‌های جنوب، نام یک اسکادران از فانتوم‌ها در جنوب کشور بود که با این رنگ‌آمیزی و استتار خاص، در نیروی هوایی زبانزدند. خود این هواپیما هم، برای یکی دو نسل از ایرانی‌ها، خاطره‌انگیز و دوست‌داشتنی است. در دوران جنگ، هیچ پسری پا نمی‌گرفت مگر اینکه بخواهد وقتی بزرگ شد، خلبان جنگنده شود. در هر خانواده و فامیلی، یک پسر بود که لباس‌های خلبانی‌اش را روز و شب به تن می‌کرد و با آن به دیگران فخر می‌فروخت. در آن سال‌ها، نماد جنگنده‌ها، همین فانتوم‌ها یا همان اف-۴های نیروی هوایی بودند که هر ماموریت موفقیت‌آمیز آنها در راه دفاع از میهن، دل ملت را شاد می‌کرد. بدون نیروی هوایی، دفاع‌مقدس شکل دیگری می‌گرفت و بسیاری از فتوحات و خاطره‌های شیرین نسل‌های قدیمی‌تر ایرانیان، شکل نمی‌گرفت. این نیرو اما فقط خلبانان شجاع و غیورش نیست؛ مجموعه‌ای از نیروهای فنی و متخصص با مجاهدت، تخصص و وطن‌پرستی، نیروی هوایی را سرپا، زنده، عملیاتی و دشمن‌هراس نگه می‌دارند. روز نیروی هوایی، مبارک این فرزندان شجاع وطن.

ملکه‌برفی

دیگر دوره و زمانه نگاه سنتی به زنان و این که «دخترها باید در خانه بنشینند» گذشته و در این ۴۴سالی که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، زنان توانمندی تربیت شده‌اند که دوش به دوش مردان در اجتماع حضور دارند و آرزوهایشان را محقق می‌کنند. نمونه این بانوان توانا را در عرصه‌های مختلف ورزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی دیده‌اید. نمونه بارزش، مهناز بهرامی نخستین و تنها بانوی راهدار کشور است. بانویی از خطه لرستان که با ماشین سنگینش، برف‌ها را در دل صعب‌العبورترین محورها کنار زده و راه را برای مردم باز می‌کند. این بانوی پرتلاش عرصه راهداری که این روزها به‌شدت پرکار بوده و زمان‌های طولانی را در میان انبوهی از برف، برای خدمت به مردم سپری می‌کند، از کودکی به رانندگی علاقه داشته و بعد از گرفتن مدرک پایه یک رانندگی، تصمیم گرفته که در اداره راهداری الیگودرز کار کند.

با اینکه در ابتدا مخالفت‌هایی وجود داشته اما ساجت‌هایش به نتیجه می‌رسد و بعد از گذراندن چندین مرحله تست فنی، در اداره راهداری مشغول به‌کار می‌شود. بهرامی شغلش را عاشقانه دوست دارد و همین باعث می‌شود تا سختی‌های این شغل چندان به چشمش نیاید. همین که راه باز می‌شود تا یک خانم گرفتار در برف زودتر به بیمارستان برسد و فارغ شود، همین که راه باز می‌شود تا عوامل خدمات‌رسان بتوانند برق و گاز یک منطقه صعب‌العبور و دورافتاده را وصل کنند، همین که فرد رها شده از برف، دعای خیری را بدرقه راهش می‌کند، همه و همه باعث می‌شود که این راهدار از شغلش نه تنها خسته نشود، بلکه شوق خدمتش روزبه‌روز بیشتر شود.

فرهنگ و زندگی

اکسیر دیجیتال جاودانگی

کاری که هزاران سال کیمیاگری و ساختن معجون‌های عجیب و آیین‌های غریب نتوانست به سرانجام برساند را، عصر دیجیتال شدنی می‌کند و نوع بشر، سرانجام می‌تواند به دیرینه‌ترین و بزرگ‌ترین آرزویش برسد و جاودانه شود.

این جاودانگی البته با چیزی که بشر همیشه فکر می‌کرده فرق دارد و فارغ از جسم و ماده پوسیدنی و فاسدشدنی ماست و در متاورس اتفاق می‌افتد. مدیرعامل شرکت سومنیوم اسپیس که عمده فعالیتش در زمینه متاورس است، گفته است که این شرکت، به لطف هوش مصنوعی ChatGPT، چند سال در راه رسیدن به آواتارهای جاودانه پیش افتاده و ۲ سال دیگر، می‌تواند الگوی جاودانگی دیجیتال را به انسان‌ها ارائه دهد. این قابلیت که «برای همیشه زندگی کن (Live Forever)» نام دارد، در واقع بازسازی اشخاص به‌صورت دیجیتال و ساختن آواتاری از آنهاست که به لطف هوش مصنوعی، می‌تواند در متاورس به زندگی ابدی ادامه دهد. یعنی اگر شما به این شرکت سفارش بدهید که آواتار شما را بسازد، حتی بعد از مرگ هم می‌توانید با فرزندان و دیگر افراد خانواده‌تان صحبت کنید. پیش‌تر گفته می‌شد که این پروژه، حدود ۵سال دیگر به نتیجه خواهد رسید اما پیشرفت چشمگیر هوش مصنوعی، آن را حدود ۲ سال و یا کمتر به سرانجام خواهد رساند.

البته این پروژه، با توجه به محدودیت‌های هوش مصنوعی، کامل نیست و قطعا در زمینه ارتباط با بازماندگان متوفی، دچار مشکل خواهد شد. اما با توجه به پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه هوش مصنوعی، انتظار این است که در سال‌های بعدی، آواتارها تا جای ممکن در چت‌کردن‌ها و صحبت‌کردن‌ها، منطقی و قابل درک صحبت کنند.

فارغ از پیشرفت‌های فناوری و مسئله مالی، این نکته مهم وجود دارد که اصلا کسی بعد از مرگمان می‌خواهد ما را ببیند یا نه؟ اصلا فرزندان و دوستان و بازماندگانمان، در آینده می‌خواهند سراغ ما بیایند یا نه؟ فکرش را بکنید که نسخه‌ای دیجیتال و ابدی از خودمان در یک گوشه دنیای مجازی و دیجیتال ساخته‌ایم، که این بار نه چندماه و چند سال، که تا ابد چشم انتظار سلام و احوالپرسی کسی هستند.

دیالوگ

من مادر هستم

فریدون جیرانی

اینقدر در مورد زندگی‌مون برای دیگران نگو ناهید. مردم اون چیزی که دوست دارند رو از حرف‌های تو می‌شنون، نه اون چیزی که تو میگی...

بوک مارک

زمین سوخته

احمد محمود

حالا، پیشانی جوان خاکستری‌پوش است. عرق و خاک هم قاطی شده است و تمام پیشانی‌اش را پوشانده است. ناگاه از بالای سر جوان خاکستری‌پوش چشمم می‌افتد به دستی که در انفجار از شانه جدا شده است و همراه موج انفجار بالا رفته است و تو خوشه خشک نخل بلند پایه گوشه حیاط ننه باران گیر کرده است. آفتاب کاکل نخل را سایه روشن زده است. خون خشک، تمام دست را پوشانده است. انگشت کوچک دست، از بند دوم قطع شده است و سباب‌اش مثل یک درد، مثل یک تهمت و مثل یک تیر سه شعبه به قلبم نشانه رفته است.

دغدغه خوب

همه کتاب‌های نخوانده

مریم ساحلی

عمری در جهان کلمات زیسته است. دلتنگ که می‌شود، اشعار ترانه‌خوان روح خسته‌اش می‌شوند. آجر به آجر خانه‌اش با اشعار کهن و نویی که گاه و بی‌گاه زمزمه می‌کند، آشنا بوده که داستان‌ها حکایت دیگری از زندگی او هستند. سال‌های بسیاری است که کتاب‌ها را می‌گشاید و با آدم‌های جهان داستان همراه می‌شود. هر داستانی که آغاز می‌کند، شور سفری دیگر در او جان می‌گیرد.

او در داستان‌ها، ساکن کاخ‌ها و بیغوله‌ها می‌شود، یا دریاها، دشت‌ها و جنگل‌ها و شهرها را در می‌نوردد. مرد سال‌هاست که سوای اشک‌ها و لبخندهای زندگی‌اش با اندوه و رنج و شادمانی‌های آدم‌های داستان همراه شده است. راهروهای تنگ و ساکت کتابخانه‌های شهر، او را می‌شناسند و کتاب‌فروشی‌ها، او را به تماشای خواستنی‌ترین ویترین‌ها فرا می‌خوانند و او می‌تواند ساعت‌ها به تماشای کتاب‌ها بایستد. دلش می‌گیرد، وقتی می‌داند کتابی را خوانده اما داستانش را از یاد برده است. عنوان بعضی کتاب‌ها، چشمانش را ستاره‌باران می‌سازد. انگار شوق و التهاب سال‌های دور در او زنده می‌شود. نوجوانی‌اش با داستان‌های جنایی، ضربان یافت و جوانی‌اش با رمان‌هایی که خوانش آخرین جملاتش ابرهای حسرت را روانه آسمان دلش می‌کرد. بعدتر دنیای خواندنی‌هایش وسعت یافت اما گرفتاری‌های زندگی هی بروبازو نشان داد و زمانی که از آنِ او بود را تنگ‌تر کرد، با همه این احوال تا فرصتی مهیا می‌شد، پناه می‌برد به کتاب‌ها. حالا اما در سایه‌سار برف پیری که نشسته است به جانش، گویا فراغ بالی هست که بیشتر بخواند، هر چند چشم‌هایش زود خسته می‌شوند و هوش و حواسش سر ناسازگاری دارد، با همه این احوال می‌خواند و عاشق‌تر از همیشه عطر کلمات را به جان می‌کشد. اما این روزها با حسرتی بزرگ دست به گریبان است. او می‌داند که وقت تنگ است و کتاب‌های نخوانده بسیارند... بسیار.

خوش‌خبر

مدرسه‌ای برای اوتیسمی‌ها

آنطور که آمارهای سازمان آموزش و پرورش می‌گوید، در کردستان ۱۵۰۰دانش‌آموز با نیازهای ویژه وجود دارد که ۱۲۰نفر آنها دارای اختلال خاص و یا اوتیسم هستند که قابلیت دریافت آموزش دارند. همانطور که می‌دانید در تمام نقاط کشور برای بچه‌هایی که دارای معلولیت‌اند مدارسی با عنوان مدارس استثنایی وجود دارد، اما آموزش به کودکانی که به اختلال اوتیسم مبتلا هستند، کمی متفاوت است و به‌دلیل رفتارهای پیچیده‌ای که دارند، شاید مدارس استثنایی هم چندان برایشان مفید نباشد و نیاز به مدرسه تخصصی داشته باشند. خوشبختانه به همت خیران، قرار است نخستین مدرسه با ساختار اوتیستیک در این استان که تعداد دانش‌آموزان دارای اختلال اوتیسم در آن بالاست، ساخته شود و کلنگ‌زنی این مدرسه هم روز گذشته انجام شده است. این مدرسه در مساحت ۳۶۰۰مترمربع به همت آموزش و پرورش و مجمع خیرین مدرسه‌ساز استان احداث خواهد شد. فرماندار سنندج هم در این‌باره گفته: زمین این مدرسه به‌عنوان زمین آموزش و پرورش استثنایی مشهور بود که با همکاری راه‌وشهرسازی و اداره‌کل آموزش و پرورش استثنایی این زمین برای مدرسه اوتیسم انتخاب شد و به‌عنوان مدرسه خیرساز احداث خواهد شد. خیران مدرسه‌ساز هم ساخت این مدرسه را برعهده گرفته‌اند که امیدواریم تا سال آینده افتتاح شود.

فرشته‌های هوایی نجات

یکی از مشکلات اصلی مناطق صعب‌العبور و کوهستانی در استان کهگیلویه و بویراحمد - در کنار دیگر مشکلات این مناطق محروم- رفت‌وآمد مردمان این مناطق به‌ویژه برای درمان است. اما اتفاق خوبی که به تازگی در این زمینه افتاده این است که اورژانس کهگیلویه و بویراحمد به بالگرد مجهز شده و این فرشته نجات علاوه بر نجات جان مادران باردار و سایر بیماران، به یاری کودکان و مردم در محروم‌ترین و دورافتاده‌ترین نقاط استان رسیده تا دیگر کسی به‌خاطر صعب‌العبور بودن راه‌ها، جانش به خطر نیفتد. معمولا هم مارگزیدگی و عقرب گزیدگی در این مناطق زیاد است و اگر کسی دچار این مسمومیت شود، باید به سرعت به بیمارستان انتقال پیدا کند که خوشبختانه اورژانس هوایی این مشکل را برطرف کرده است. نمونه‌اش همین چند روز پیش بود که یک پسر ۱۰ساله و دختر بچه ۴ساله در منطقه سیلاب و کلوار دچار عقرب‌گزیدگی شدند و امدادرسانی اورژانس هوایی ۱۱۵ موجب نجات جان این کودکان شد. درحالی که مرداد سال گذشته که این استان بالگرد هوایی نداشت، پسر بچه ۴ساله‌ای به‌نام سامان غفوری از اهالی روستای سیدصالح شهرستان بهمئی به‌دلیل عقرب‌گزیدگی و طولانی شدن زمان مسمومیت جان خود را از دست داد. امیدواریم که تعداد این بالگردها در همه استان‌های دارای مناطق صعب‌العبور افزایش پیدا کند تا دیگر خانواده‌ای در غم از دست دادن عزیزی، رخت عزا به‌تن نکند.

رصد پلنگ ایرانی در دره پلنگی

محیط‌بانان شهرستان فریمان حین گشت و کنترل منطقه شکارممنوع ژرف موفق به مشاهده و ثبت یک قلاده پلنگ در دره پلنگی این منطقه شده‌اند. هرچند پارسال در منطقه کلیلاق مشاهده یک قلاده پلنگ ماده به همراه توله‌هایش گزارش شد، اما این برای نخستین بار است که یک قلاده پلنگ در منطقه دره پلنگی شکارممنوع ژرف مشاهده و ثبت می‌شود. منطقه‌ای که این قلاده پلنگ مشاهده شده، مرز ۲منطقه شکارممنوع کلیلاق و ژرف و مشترک با شهرستان‌های تربت حیدریه، فریمان، زاوه و تربت جام است. منطقه شکارممنوع ژرف شهرستان فریمان با شرایط جغرافیایی جلگه‌ای و کوهستانی، مکان مناسبی برای زیستگاه‌های حیوانات وحشی است. آنطور که رئیس اداره محیط‌زیست شهرستان فریمان گفته، خوشبختانه برای حفاظت بیشتر از گونه‌های جانوری وحشی تاکنون چندین کلاس آموزشی برای اهالی روستاهای حاشیه منطقه شکارممنوع که در مجاورت حیات‌وحش قرار دارند، برگزار شده است و اداره محیط‌زیست شهرستان هم تمام تلاش خود را در حفاظت از پلنگ ایرانی، این گونه جانوری نادر و در خطر انقراض به‌کار گرفته است.

خانه‌دار شدن ۵قلوها

یکی از وعده‌های دولت، خانه‌دار شدن خانواده‌هایی بود که صاحب فرزندان چندقلو می‌شوند. احتمالا با خودتان فکر می‌کنید که تا این وعده عملی شود و یک خانواده دارای چندقلو بخواهد خانه‌دار شود، بچه‌ها به سن مدرسه رسیده‌اند! اما اینطورها هم نیست. عینک بدبینی را از چشم بردارید و با این خبر خوب لبخند بزنید: یک خانواده گنبدکاووسی که به تازگی صاحب ۵قلو شده‌اند، در کمتر از ۲۴ساعت صاحب خانه شدند. در واقع بانوی ترکمن ۳۳ساله گنبدی عصر روز پنجشنبه هفته گذشته در سومین زایمان خود دارای ۳ پسر و ۲ دختر شد. ۵قلوها ۲خواهر دیگر ۱۳ و ۵ ساله هم دارند و پدر آنها به‌عنوان کارگر ساختمانی امرار معاش می‌کند. مدیرکل راه‌وشهرسازی گلستان اینطور توضیح داده که: بعد از شنیدن خبر تولد ۵قلوها در گنبدکاووس، وزیر راه‌وشهرسازی بلافاصله با بنده تماس گرفت و دستور واگذاری یک واحد مسکونی به پدر این ۵قلوها را داد. با توجه به تکلیف قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، وزارت راه‌وشهرسازی توجه ویژه‌ای به این موضوع دارد. بنابراین با دستور وزیر راه‌وشهرسازی و پیگیری‌های استاندار و اداره کل راه‌وشهرسازی، طی کمتر از ۲۴ساعت ۵قلوهای گنبدی صاحب یک واحد مسکونی ویلایی با تجهیزات شدند. قرار است با بهره‌برداری از واحدهای مسکونی طرح نهضت ملی مسکن در گنبدکاووس یک واحد به این خانواده هدیه شود و تا آن زمان، این خانواده در این خانه ویلایی سکونت خواهند داشت.